

## بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی بر بهبود نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و

### نابینا

فریده کلهری<sup>۱</sup>، کیومرث کریمی<sup>۲</sup>\*

#### چکیده

**هدف:** هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی بر بهبود نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا بود.

**روش:** روش تحقیق شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کودکان دختر عادی سنین ۷-۱۲ سال، در کتابخانه های فراگیر استان تهران در تابستان ۱۳۹۳ تشکیل دادند. سپس ۵۰ دانش آموز دختر از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و به صورت تصادفی در گروه های آزمایشی و کنترل (هر گروه ۲۵ نفر) قرار داده شدند. جمع آوری داده ها از طریق مقیاس چیداک-مک مستر (روزننام، آرامسترانگ، کینگ، ۱۹۸۸) (CATCH) برای سنجش نگرش کودکان نسبت به کودکان معلول بود. پس از پیش آزمون ۱۳ جلسه آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی توسط مربیان مجرب برای گروه آزمایش برگزار شد. بعد از پایان جلسات آموزشی پس آزمون در مورد هر دو گروه آزمایش و کنترل انجام شد. داده های پژوهش توسط آزمون تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که تفاوت معناداری در نمره های نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان نابینا و ناشنوا در گروه با آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی در مقایسه با گروه کنترل که این آموزش را ندیده اند، وجود دارد ( $P \leq 0/05$ ).  
**نتیجه گیری:** یافته های این پژوهش تلویحات کاربردی در مورد تجدید نظر در مورد برنامه های آموزشی سازمان های مرتبط از جمله سازمان آموزش و پرورش و کانون پرورش کودکان و نوجوانان جهت تغییر نگرش کودکان در حوزه های مختلف عاطفی، شناختی و اجتماعی توسط آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی جهت ایجاد انگیزه بیشتر در کودکان جهت ارتباط با کودکان معلول را مطرح می نماید.

**واژگان کلیدی:** آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی، کودکان ناشنوا، کودکان نابینا، نگرش نسبت به کودکان معلول

<sup>۱</sup> . گروه روان شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

<sup>۲</sup> . گروه روان شناسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

\* نویسنده مسئول: q.karimi@iau-mahabad.ac.ir

## مقدمه

بشر امروز کودکان را از وادی حیرتها و رویاهای کودکانه به سوی عقل و منطق سوق می دهد (گردر، ۱۹۹۱). کودکان سرمایه های جامعه کنونی ما می باشند. در میان کودکان، بعضی از آنان از جمله کودکان ناشنوا و نابینا جهت آموزش و آماده سازی برای زندگی اجتماعی روش خاص، وقت خاص، و توجهی خاص را می طلبند. این کودکان علاوه بر این که باید آماده زندگی در میان سایر همنوعان خود شوند، لزوماً راه برقراری ارتباط با سایرین را بیابند. والدین آنان می کوشند تا کودکان بتواند به طور مستقل از خود مراقبت کنند و امیدوارند فرزندشان در آینده دوستان خوبی را بیابد و شغل مناسبی برای خود فراهم نمایند و در نهایت خانواده ای گرم و صمیمی تشکیل دهند. برای نیل به موفقیت، این دسته از کودکان باید مراحل را طی کنند و موارد بسیاری را بیاموزند، یاد بگیرند چگونه مسئولیت قبول کنند و چگونه با دیگران سازگاری پیدا کنند. بسیاری موارد دیگر این امر را برای یک کودک ناشنوا و نابینا به دلیل نقص دستگاه شنوایی و بینایی تا حدودی مشکل و آنان را نیازمند مساعدت و همکاری والدین و اطرافیان کودک و جامعه می نماید. کودکان ناشنوا و نابینا معمولاً دارای حساسیت بین فردی هستند. آنان احساساتی از قبیل بی کفایتی شخصی و حقارت خصوصاً در مقایسه با افراد دیگر نشان می دهند که ناخوشایندی ایجاد می کند. همچنین اضطراب از خصایص کودکان مذکور است. این کودکان به دلیل ناشنوایی و نابینایی خود در ابتدا به جهت برقراری ارتباط با مشکل روبرو می باشند و برای کسب استقلال در امور شخصی و کسب مهارت های اجتماعی و بهزیستی نیازمند کمک می باشند. نتایج پژوهش های مختلف حاکی است که کودکان با نیازهای ویژه در فعالیت های اجتماعی کمتر شرکت می کنند، زندگی شان کمتر رضایت بخش است و در روابط و تعاملات اجتماعی در سطح ابتدایی هستند و اغلب شکست می خورند (ادامز، روهرینگ، ۲۰۰۴).

باید دانست که افراد معلول هم مانند سایر کودکان از عهده کارها برمی آید و نباید مانع فعالیت و لذت بردن از فعالیت و لذت بردن از زندگی و دست ورزی و تجربه اندوزی او گردید. زمانی که صحبت از موفقیت طرح آموزش تلفیقی می شود، نقش همکلاسی های عادی را به هیچ وجه نمی توان نادیده گرفت (ویسمه، ۱۳۸۴). خدمات آموزشی و توانبخشی موجود غالباً برای برطرف کردن نیازهای این افراد کافی نیست و این افراد از فرصت های کافی برای پیوستن به زندگی اجتماعی و اشتغال به کار، محروم هستند. بنابراین ایجاد نگرش مثبت نسبت به افراد با ناتوانی، فراهم نمودن فرصت های برابر و یکسان برای آن ها، شناخت نیازهای مختلف افراد و ارزش گذاری به آن ها و بالا بردن آگاهی افراد جامعه، شیوه های مبارزه با این محرومیت موجود هستند (زینی و نند، ۱۳۸۸).

دانش آموزان با نیازهای ویژه بیشترین آسیب را از محدودیت های آموزشی می بینند و برای بازگرداندن تدریجی ساختار طبیعی جوامع انسانی در مدارس، یکی از راهکارها برنامه تلفیقی است. "یکپارچه سازی یا تلفیقی اصطلاحی عمومی است که به جایگزینی دانش آموزانی که دارای ناتوانی هستند در محیطی گفته می شود که سایر همسالان آنها فاقد ناتوانی هستند نیز در آن محیط شرکت میکنند" (هوسپیان، ۱۳۷۸).

آموزش فراگیر فقط اصلاح در آموزش ویژه نیست بلکه نزدیک شدن به نیاز باز سازی نظام آموزش و روش عمومی، شناخت ضرورت های جامعه ی در حال تغییر و سازگاری آموزش ویژه ی مجزا است که برای دانش آموزان چندان موفقیت آمیز

<sup>1</sup> Garder, J

<sup>2</sup> Adams

<sup>3</sup> Rohring

نبوده است. آموزش فراگیر ایجاد سامانه ای است که بتواند برای دانش آموزان عادی و دانش آموزان با نیازهای ویژه منفعت آموزشی داشته باشد. این چنین سامانه ای می تواند برای تمامی کودکان، آموزش و پرورش مفید ایجاد کند (لیپسکی<sup>۱</sup> و گارتنر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

مناسب سازی فضای آموزشی و حضور دانش آموزان عادی و با نیازهای ویژه در کنار هم به تنهایی موفقیت برنامه های تلفیقی را تحقق نمی بخشد و منجر به روابط اجتماعی و دوستانه نمی گردد (جونز<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴). به نظر می رسد آموزش موثر و کارا علاوه بر یادگیری و افزایش آگاهی می تواند سبب تلطیف روحیه دانش آموزان و یادگیری مهارت های زندگی فیمابین آنها شود. "آگاه سازی ممکن است به روش مستقیم و توسط افراد دارای ناتوانی یا کارشناس متخصص، یا به روش غیر مستقیم صورت گیرد و یکی از وسیله های کمک آموزشی در این روش قصه گوئی است. (فلورز<sup>۴</sup>، انجلس<sup>۵</sup>، دیاز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹) اما زمینه ساز دوام و قوام این ارتباط، نگرش است که از دل فعالیت های فرهنگی و هنری و ادبی حاصل می شود.

همیشه نمی توان تجربه ای از مفاهیم روان شناختی را برای کودکان و بویژه کودکان با نیازهای ویژه بکار برد ولی عناصری مانند شعر و قصه که با روح و جان آنان همزاد است می تواند اولاً بین معلم و مربی با کودکان نگرش مثبت ایجاد کند و ثانیاً منجر به نگرش مطلوب بین خود کودکان شود. نگرش همکلاسی ها یا دوستان در مورد همسالان با ناتوانی به عنوان یک عامل محیطی می تواند مشارکت اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه را در کلاس های تلفیقی تسهیل سازد (ویگینس<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). نگرش حالت روانی و آمادگی عصبی است که از طریق تجربه سازمان یافته، بر پاسخ های فرد در برابر کلیه اشیاء و موقعیت هایی که مربوط به آن می شود تاثیر دارد (الپورت<sup>۸</sup>، ۱۹۳۵). نگرش های منفی مردم می تواند زندگی روزانه افراد دارای ناتوانی را تحت تاثیر قرار دهد. (غیاث فخری و شکوهی، ۱۳۷۷) آموزش موثر و کارا علاوه بر یادگیری و افزایش آگاهی می تواند سبب تغییر نگرش و منجر به تغییر رفتارهای مخاطره آمیز گردد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹). از آنجایی که آموزه ها و پند ها در خلال شعر و قصه به خوبی برای کودکان قابل فهم و معنادار می شود، احتمال بکارگیری و تعمیم آن توسط کودک در زمینه های مشابه افزایش پیدا می کند. از طرفی به دلیل شرایط خاص دوران کودکی، از نظر توانایی شناختی، کودکان به ادبیات علاقه نشان می دهند. در واقع مجاورت و نزدیکی کودکان به رویدادهای مهم بین فردی در زندگی روزمره و غوطه ور بودن آن ها در جنبه های حسی و عینی تجربه ها موجب می شود که این رویدادها نفوذ قوی تری در رویدادهای زندگی آنها داشته باشد (اشنایدر<sup>۹</sup>، داب<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵، ترد<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۸). بنابراین با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر در جهت بررسی این سوال مهم است که آیا برنامه آموزش مبتنی بر شعر و قصه گوئی بر بهبود نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و ناشنوا موثر است؟

<sup>1</sup> Lipsky

<sup>2</sup> Gartner

<sup>3</sup> Jones

<sup>4</sup> Florez

<sup>5</sup> Angeles

<sup>6</sup> Diaz

<sup>7</sup> Vignes

<sup>8</sup> Alport

<sup>9</sup> Schneider

<sup>1</sup> Dube

0

<sup>1</sup> Trad

1

## روش پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب مطالعات شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. در این طرح ابتدا هم از گروه کنترل و هم از گروه آزمایش آزمون ارزیابی نگرش در مورد کودکان ناشنوا و نابینا به عمل آمد (پیش آزمون) سپس مداخله آموزشی (برنامه آموزش قصه گویی و شعرخوانی) اجرا می شود که تنها گروه آزمایش در معرض مداخله قرار گرفتند سپس دو باره از هر دو گروه کنترل و آزمایش آزمون ارزیابی نگرش به عمل می آید (پس آزمون) و نتایج مورد تجزیه تحلیل آماری قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر را کودکان دختر عادی سنین ۷-۱۲ سال، در کتابخانه های فراگیر استان تهران در تابستان ۱۳۹۳ تشکیل دادند. روش نمونه گیری پژوهش حاضر از نوع خوشه ای چند مرحله ای بود. بدین ترتیب که از کتابخانه های استان تهران پنج کتابخانه به صورت تصادفی انتخاب و از بین اعضای این کتابخانه ها نمونه پژوهش جهت شرکت در پژوهش به صورت تصادفی انتخاب شدند. اندازه نمونه شامل ۵۰ نفر است. ۲۵ نفر در گروه کنترل و ۲۵ نفر در گروه آزمایش قرار داده شدند. آزمودنیها دانش آموزان دوره دبستان بودند که ۷ تا ۱۲ سال سن داشتند و میانگین سن آنها ۱۰ سال (انحراف معیار ۱/۶۴) بود. برنامه آموزشی شامل داستان ها و اشعار گروه سنی کودکان ۷-۱۲ سال بود که هر کدام از آنها شامل تمثیل هایی است که زمینه را برای آموزش یک مفهوم تربیتی مهیا می کند. آموزش شامل ۶ داستان و ۷ شعر بود که توسط مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ۱۳ جلسه ارائه شدند. داستان ها و اشعار در جدول های شماره ۱ و ۲ آمده است:

جدول ۱. قصه هایی ارائه شده در برنامه آموزشی شعر و قصه

نام داستان	ما مسئول خوب یا بد شرایط زندگی خود هستیم
قلمرو تمثیل	زندگی مسئولانه، پیامدهای طبیعی و منطقی رفتارهای ما، شتاب در نتیجه گیری، از ماست که بر ماست
نام داستان	خویشن داری و فروتنی متناسب با موقعیت
قلمرو تمثیل	احساس افسردگی، دست کم گرفتن خود، احساس درماندگی، لزوم تجدید نظر در تصمیم گیری، فروتنی بیجا، رعایت عهد و پیمان
نام داستان	از تو حرکت از خدا برکت
قلمرو تمثیل	انتظارات غیرمنطقی، اجتناب از سنجش واقعیت، باورهای ناکارآمد، برداشت نادرست از توکل، از هیچ انتظار همه چیز داشتن
نام داستان	بلکه من کاشته بودم، بلکه شتر تو هم چریده بود
قلمرو تمثیل	تصورات بی اساس، ذهنیت قضاوتگر و روحیه حق به جانب خود میان بینی، در "اگر" زیستن
نام داستان	معامله منصفانه
قلمرو تمثیل	برداشت نادرست از انصاف، بی توجهی به نیازها و خواسته های دیگران، روحیه خودمحور بینی، عدم رعایت دیگری
نام داستان	بد مکن و بد میندیش
قلمرو تمثیل	ذهنیت مثبت / ذهنیت منفی، مؤثر بودن زیبا اندیشی، امید و ناامیدی، اثر زیان بر عواطف و افکار، خوش بینی / بد بینی، اهمیت کلمات

جدول ۲. شعرهای ارائه شده در برنامه آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی

شعر	شاعر	موضوع
گرچه	ناصر کشاورز	دوستی با حیوانات کشش عاطفی بین بچه ها و نگرش خوب بوجود می آورد
همکلاسی	اسدالله شعبانی	اشاره به دوستی و رفاقت، موج آفرین مهر و نگرش مثبت است
آسمان هنوز آبی	مصطفی	عشق به پدر و مادر و خواهر و برادر از عناصر عاطفی و بوجود آورنده محبت و یكدلی است
ساز من ساز جیر	اسدالله شعبانی	محرومیت که کار ساز آن همبستگی و یكدلی و سرنوشت مشترک بسیاری از کودکان می باشد
نان خشکی	مهدی الماسی	درباره زندگی واقعی و فقر بسیاری از کودکان سرزمین ما که اندوه ناشی از آن بر مخاطب احساس یاری و همدلی و دوستی را بارور می کند و نگرش مثبت ایجاد می نماید
یک بچه خسته	سعید هاشمی	در مورد علاقه کودک به اشیاء و از دست دادن آنها

ابزار پژوهش مقیاس نگرش نسبت به کودکان معلول چیداک-مک ماستر (CATCH) می باشد. این مقیاس به وسیله روزنباوم<sup>۱</sup>، آرامسترانگ<sup>۲</sup>، کینگ<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) تدوین شده است. این ابزار اندازه گیری نگرش کودکان سن ۷ تا ۱۲ سال را نسبت به افراد معلول شامل می شود، شامل ۱۲ آیتم برای هر یک از ابعاد شناخت، عاطفه و رفتار است که تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از تفسیر این ۱۲ آیتم انجام می شود. این ابزار شامل آیتم هایی است که نگرش نسبت به افراد ناتوان را ارزیابی می کنند. پاسخ به آیتم ها روی یک مقیاس لیکرت (از ۰ تا ۴، ۰ کاملاً مخالف، ۴ کاملاً موافق) درجه بندی شده است. آیتم های منفی به صورت معکوس نمره گذاری می شود. در جایی که شرکت کنندگان به یک آیتم از آیتم های نگرش سنج پاسخ نداده باشند، میانگین نمره به جای آن وارد می شود. اگر دوتا یا بیشتر جواب نداده باشد نمره شرکت کنندگان از تجزیه و تحلیل حذف می شود. هر ۱۲ آیتم هر جزء نگرش (شناخت، احساس و رفتار) با هم جمع می شود و بعد از نمره ها میانگین گرفته می شود و سپس ضرب در ۱۰ می شود تا نمره کلی هر فرد در این مقیاس به دست بیاید. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش های گذشته ۰.۸۳ است و این ابزارروایی و پایایی بالایی دارد (اولالی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۲) پرسشنامه قبل و بعد از ابرنامه آموزشی مبتنی بر شعر و قصه توسط کمک مربیان کتابخانه های فراگیر در بین آزمودنیها اجرا می گردد. میانگین مدت زمان لازم برای اجرای آزمون ۲۵ دقیقه می باشد.

### یافته های پژوهش

شاخص های پراکندگی نمرات پیش آزمون و پس آزمون نگرش کودکان عادی به کودکان ناشنوا و نابینا در گروههای آزمایش و کنترل در جدول های شماره ۳ و ۴ ارائه شده اند.

<sup>1</sup> Rosenbaum

<sup>2</sup> Armstrong

<sup>3</sup> King

<sup>4</sup> Olaley

جدول ۳. شاخص های پراکندگی نمرات پیش آزمون و پس آزمون نگرش کودکان عادی به کودکان ناشنوا و نابینا در گروه آزمایش

شاخص های تعداد میانگین میانه مُد انحراف واریانس کشیدگی چولگی دامنه کمینه بیشینه آماری	استاندارد										
	پیش آزمون	۲۵	۱۱۰.۳۶	۱۱۲	۱۰۱	۱۱.۶۱۹	۱۳۴.۹۹۰	-۰.۸۱	-۱.۲۳۳	۳۸	۹۰
پس آزمون	۲۵	۱۱۲.۱۶	۱۱۳	۱۰۵	۱۱.۱۰۴	۱۲۳.۳۰۷	-۰.۱۴۵	-۰.۸۴۳	۳۸	۹۱	۱۲۹

جدول ۴. شاخص های پراکندگی نمرات پیش آزمون و پس آزمون نگرش کودکان عادی به کودکان ناشنوا و نابینا در گروه کنترل

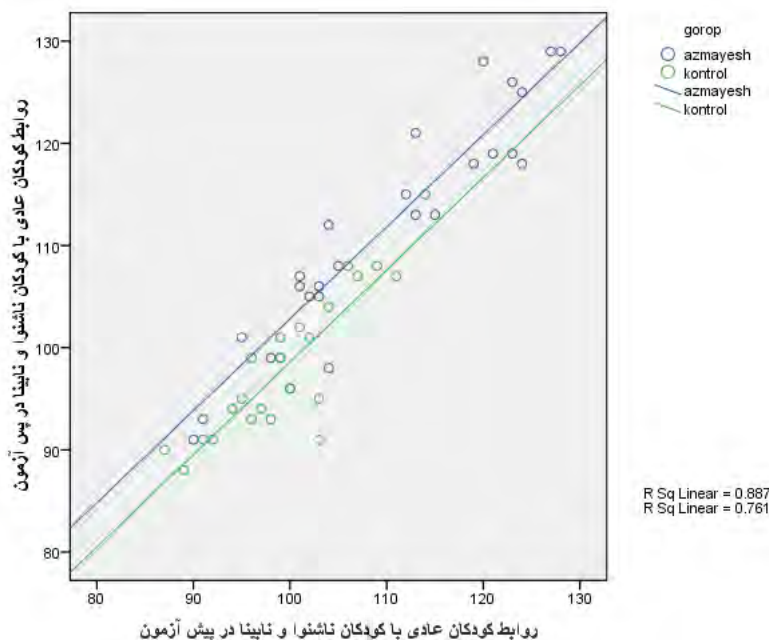
شاخص های تعداد میانگین میانه مُد انحراف واریانس کشیدگی چولگی دامنه کمینه بیشینه آماری	استاندارد										
	پیش آزمون	۲۵	۹۸.۲۸	۹۶	۹۱	۶.۸۹۵	۴۷.۵۴۳	.۶۵۸	-.۲۰۱	۲۷	۸۸
پس آزمون	۲۵	۹۹.۶۸	۹۹	۹۹	۶.۶۵۷	۴۴.۳۱۰	.۱۹۰	-.۱۱۴	۲۷	۸۷	۱۱۴

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی توزیع نرمال بودن متغیر نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا انجام گرفت. نتایج آزمون در جدول شماره ۵ ارائه شده است:

جدول ۵. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در مورد بررسی توزیع متغیر نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا

متغیرهای پژوهش	پیش آزمون گروه پیش آزمون	پس آزمون گروه پیش آزمون	پس آزمون گروه کنترل	پس آزمون گروه کنترل
تعداد نمونه	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
پارامترهای میانگین	۱۱۰/۳۶	۱۱۲/۱۶	۹۹/۶۸	۹۸/۲۸
نرمال انحراف معیار	۱۱/۶۱۹	۱۱/۱۰۴	۶/۶۵۷	۶/۸۹۵
آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	۰/۷۸۹	۰/۵۰۳	۰/۴۰۴	۰/۷۴۸
معناداری (دوطرفه)	۰/۵۶۳	۰/۹۶۲	۰/۹۹۷	۰/۶۳۱

با توجه به جدول فوق، ضریب معناداری بدست آمده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در تمام گروه ها که بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، می توان فرض صفر ( $H_0$ ) که توزیع نرمال متغیر مورد نظر می باشد، را پذیرفت. بنابراین توزیع نمرات نگرش کودکان عادی به کودکان نابینا و ناشنوا نرمال می باشد. لذا با توجه به توزیع نرمال داده ها، می توان از آزمون های پارامتریک استفاده کرد. برای آزمون مقایسه بین دو گروه آزمایش و کنترل برای آگاهی از اثربخشی آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی بر نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا با فرض نرمال بودن داده ها از تحلیل کواریانس استفاده شده است. برای انجام تحلیل کواریانس مفروضه خطی بودن متغیر نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا بررسی می گردد. نمودار شماره ۱ پراکنش نمرات دو گروه آزمایش و کنترل را نشان می دهد:



نمودار ۱. پراکنش نمرات دو گروه آزمایش و کنترل در نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا توزیع کلی نمره ها برای هر یک از گروه های مورد بررسی حاکی از آن است که در هر گروه تقریباً رابطه خطی است. بنابراین با توجه به خطی بودن توزیع نمرات در گروه ها و البته با توجه به نتیجه بررسی همگنی شیب های رگرسیون در صورت تأیید می توان از تحلیل کوواریانس استفاده نمود. نتایج آزمون فرضیه همگنی شیب های رگرسیون در جدول شماره ۶ ارائه شده است:

جدول ۶. تحلیل همگنی شیب های رگرسیون نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان نابینا و ناشنوا

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
گروه	۱/۶۲۶	۱	۱/۶۲۶	۰/۱۲۳	۰/۷۲۷
نگرش کودکان در پیش آزمون	۲۶۰۵/۹۹۱	۱	۲۶۰۵/۹۹۱	۱۹۷/۸۳۶	۰/۰۱
گروه * نگرش کودکان در پیش آزمون	۰/۰۱۱	۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱	۰/۹۷۷
خطا	۶۰۵/۹۳۶	۴۶	۱۳/۱۷۳		
جمع	۵۶۰۰۷۱	۵۰			

ضریب تعیین: ۰/۹۰۷ ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۹۰۱

با در نظر گرفتن ردیف (گروه \* نگرش کودکان در پیش آزمون) سطح معنی داری بدست آمده (۰/۹۷۷) بالاتر از ۰/۰۵ است بنابراین ما از مفروضه همگنی شیب های رگرسیون تخطی نکرده ایم و می توانیم از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده نماییم. نتایج تحلیل کواریانس در جدول شماره ۷ آمده است:

جدول ۷. تحلیل کوواریانس نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان نابینا و ناشنوا

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	Partial Eta Squared
---------------	---------------	------------	-----------------	---	---------------	---------------------

مدل صحیح	۵۹۰۲/۶۳۴	۲	۲۹۵۱/۳۱۷	۲۲۸/۹۱۸	۰/۰۱	۰/۹۰۷
نگرش کودکان	۳۴۹۴/۴۵۴	۱	۳۴۹۴/۴۵۴	۲۷۱/۰۴۶	۰/۰۱	۰/۸۵۲
گروه	۱۷۰/۰۵۳	۱	۱۷۰/۰۵۳	۱۳/۱۹۰	۰/۰۱	۰/۲۱۹
خطا	۶۰۵/۹۴۶	۴۷	۱۲/۸۹۲			
جمع	۵۶۰۰۷۱	۵۰				

تحلیل کوواریانس بین گروهی برای مقایسه نگرش کودکان عادی در دو گروه آزمایش (با آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی) و گروه کنترل (بدون آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی) در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون (در قالب چهار گروه) به اجرا درآمد، که مرحله پیش آزمون و مرحله اجرای پس آزمون در زمان اول (اجرای پس آزمون با سابقه اجرای پیش آزمون) به عنوان متغیرهای هم تغییر در این تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. بررسی های مقدماتی برای اطمینان از عدم تخطی از مفروضه های نرمال بودن، خطی بودن و همگنی شیب های رگرسیون اندازه گیری متغیرهای هم تغییر انجام شد، که این بررسی ها اجازه استفاده از تحلیل کوواریانس را به ما داد.

با در نظر گرفتن ردیف (گروه) سطح معنی داری بدست آمده (۰/۰۰۱) کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین گروه های ما تفاوت معناداری از هم دارند، یعنی تفاوت معناداری در نمره های روابط کودکان عادی نسبت به کودکان نابینا و ناشنوا در گروه با آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی و گروهی که این آموزش را ندیده اند (گروه کنترل)، وجود دارد. همچنین مقدار اثر بدست آمده در این آزمون ۰/۹۰۳ است. این مقدار بیان می کند که میزان بالایی از واریانس نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان نابینا و ناشنوا توسط آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی تبیین می شود.

### بحث و نتیجه گیری

بطور کلی نتایج حاصل از آزمون این فرضیه حاکی از آن است که میزان نگرش کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا در بین گروهی که آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی دیده اند به مراتب مثبت تر از گروهی است که این آموزش را ندیده اند. متغیر نگرش کودکان نسبت به کودکان معلول حاصل جمع سه مولفه شناختی، عاطفی و اجتماعی می باشد که خود را در روابط کودکان با کودکان معلول نمایان می سازد. در سنجش آن هم به جنبه های حسی این روابط و هم به جنبه های عینی و عملی آن توجه شده است. لازم به ذکر است که توجه به دو جنبه حسی و عینی در سنجش روابط کودکان برگرفته از نظرات اشنايدر و داب (۲۰۰۵) و نظرات ترد (۲۰۰۸) می باشد. بدین معنا که آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی بر بهبود روابط کودکان عادی نسبت به کودکان ناشنوا و نابینا موثر است. این یافته همسو با یافته های موريس<sup>۱</sup> و ویتز<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) می باشد. در قالب چارچوب نظری می توان با همسویی نظرات مطرح در بخش نظری تحقیق با نتایج حاصل از پژوهش حاضر پی برد. فیستنگیر (۱۹۵۷) معتقد است که انسان بطور طبیعی به دنبال تعادل درونی است یعنی همواره می خواهد میان نگرش ها و رفتار هماهنگی بر قرار باشد. بنابراین مطابق یافته های پژوهش ما با آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی می توانیم نگرش کودکان عادی را نسبت به کودکان نابینا و ناشنوا تغییر دهیم و آنها را به سمت روابط صمیمانه با هم سوق دهیم که مطابق نظریه ناهماهنگی شناختی فیستنگیر این تغییر در نگرش سبب تغییر همسو با نگرش در افراد می شود. بر اساس همین نظریه قرار گرفتن در جمع، تحت تاثیر نظر آنان تفسیر می شود زیرا فرد می

<sup>1</sup> Morris

<sup>2</sup> Wates



خواهد نگرش او با دیگران در تعارض نباشد و اگر نتواند در نگرش آنان تغییر ایجاد نماید، خود او نگرشش را تغییر می دهد تا با دیگران هماهنگ شود.

بنابراین تأیید فرضیات پژوهش حاضر در راستای تأیید نظریه دکتر آرتوروشن در مورد اثربخشی تمثیل بر کودکان قرار می گیرد که معتقد است عنصر مهمی در قصه گویی هست که به تمثیل ها نیروی نفوذ و تاثیر می بخشد. همچنین نتایج بدست آمده در راستای نظرات دکتر مری لوییژ لوند تری قرار می گیرد که معتقد است داستان گویی راهی بسیار موثر برای جهت دادن به رفتار کودکان است.

در مقام جمع بندی می توان گفت از آنجایی که آموزه ها و پند ها در خلال شعر و قصه به خوبی برای کودکان قابل فهم و معنادار می شود، احتمال بکارگیری و تعمیم آن توسط کودک در زمینه های مشابه افزایش پیدا می کند. یکی از زمینه هایی که از اهمیت شایانی در دنیای امروز دارد، رابطه کودکان عادی با کودکان معلول می باشد که همانطور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد متأثر از شعر و قصه خوانی می باشد. بنابراین آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی فرصت های شایسته ای را برای گسترش ارتباط کودکان عادی نسبت به کودکان معلول بطور اعم و کودکان ناشنوا و نابینا بطور اخص فراهم می آورد.

در این راستا با توجه به فرهنگ ایرانیان و جایگاه شعر و قصه گویی در این فرهنگ، آموزش آن می تواند به عنوان محرکی برای گسترش و تقویت این روابط باشد. خارج محاسبات اقتصادی و اجتماعی آدمی ذاتاً علاقمند به کمک به هم نوع خود می باشد و برای پاسخ گویی به نیاز های فطری و ذاتی خویش ناچار به این امر روی می آورد، پس لازم است که پاسخی مناسب به او داده شود و شرایط مطلوبی به منظور ارضاء خواسته های درونی اش فراهم گردد، خواسته های که با ورود به دنیای مدرن با چالش عظیمی روبرو گشته است. بنابراین باید با روجوع به فرهنگ گذشته از کانال ابزارهایی که بازگو کننده فرهنگ گذشته هستند از قبیل شعر و قصه گویی، سعی در ارضاء این خواسته درونی نمود. شعاری نژاد (۱۳۸۷) نیز ادبیات کودکان را از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر تغییر مطلوب رفتار کودکان می داند. کودکان از طریق ارتباط با گروه همالان خود که از نارسایی های جسمی یا ذهنی رنج می برند می توانند تسکینی بر این درد باشند و آنها را از انزوا خارج و به دنیای تعامل با هم نوعان خود سوق دهد. بنابراین تجدید نظر در شیوه های آموزشی و برنامه های کانون پرورش کودکان و نوجوانان به منظور ایجاد انگیزه و علاقه و روی آوردن هر چه بیشتر کودکان به ارتباط با کودکان معلول از طریق برپایی کلاس های آموزش مبتنی بر شعر و قصه گویی امری لازم و ضروری به نظر می رسد. همچنین بر پایه نتایج این پژوهش لازم است برنامه ریزی در حیطه مدارس تلفیقی و مراکز فراگیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف دستیابی به مهارت اجتماعی و ارتباطات مثبت کودکان ناشنوا و نابینا با کودکان عادی انجام گردد و مدارس، کتابهای شعر و قصه، مخصوصاً آن دسته از کتابهایی که سبب برانگیختن کودکان عادی برای تعامل با کودکان معلول می شود، را در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهند.

## منابع

- حسینی، سید حمید، رجب زاده، رضوان، خاکشور، علی. (۱۳۸۹). مقایسه تاثیر دو روش آموزشی سخنرانی و پمفلت بر آگاهی و نگرش دانش آموزان دبیرستان های شهرستان مانه و سملقان در مورد بیماری ایدز. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، صص ۱۳-۱۸.
- زینی وند، مریم. (۱۳۸۸). ارزشیابی توصیفی لازمه اجرای آموزش فراگیر. تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۹۷ صص ۲۷-۳۴.
- غیاث فخری، عاطفه. و شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۷۷). تاثیر برنامه پی. ال. پو. در تغییر نگرش دختران پایه اول راهنمایی نسبت به دانش آموزان استثنایی. اندیشه و رفتار، سال چهارم، شماره ۳، صص ۶۲-۶۸.
- هوسپیان، الیس. (۱۳۸۷). مقدمه ای بر آموزش تلفیقی. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.
- ویسمه، علی اکبر. (۱۳۸۴). رابطه برخی عوامل با نگرش معلمان نسبت به آموزش تلفیقی دانش آموزان دیرآموز در مدارس تلفیقی. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. سال پنجم، شماره ۴، صص ۴۵۱-۴۶۴.
- یوستین، گردر. (۱۳۷۷). درون یک آئینه درون یک معما، ترجمه مهرداد بازیاری، انتشارات هرمس.
- Adams, & Rohring, (2004). Handbook to and Hard of Service the Deaf Hearing Abridge to Accessibili. California: Academic Press Publications.
- Allport, G.w. (1935). Attitudes, In. C.Murchison(Ed), Handbook of Social Psychology. Worcester, MA: Clark University Press.
- Flores, G., Angeles, M., Diaz, A.L. & et al. (2009). A review and analysis of Programmes prompting changes in attitudes towards people with Disabilities. Annuary of Clinical and Health Psychology: 5:81 – 94.
- Jones, R. L. (1984). Attitudes and Attitude change in special Education: Theory and practice, the council for Exceptional children ERIC Clearing house on Handicapped and Gifted children.
- Lipsky, D.K., & Gartner, A. (1997). Inclusion and school reform: Transforming America's classrooms. Baltimore, MD: Brooks. 414pp., \$36.95, p15
- Morris, J. & Wates, M. (2006). Supporting disabled parents and parents with additional support needs, social Care Institute for Excellence Bristol Kingdom.
- Olaley, A., Ogundele, O. Deji, S., Ajayi, O. olaleye, O., Adeyanju, T. (2012). Attitudes of students towards peers with Disability in an Inclusive School in Nigeria. Vol23, No.3; doi 10.4563/DCID.v23i3.136.
- Rosenbaum, P.L., Armstrong, R.W., King, S.M. (1988). Determinants of children's attitudes toward disability: A review of evidence Children's Health Car, 17, pp 32-39.
- Schneider, P., Dube, R.V. (2005). Story Presentation Effects on Children Retell Content. AM J Speech Lang Potathol; 14: 59-60.
- Smith-D'Arezzo, W. M., & Moore-Thomas, C. (2010). Children's perceptions of peers with disabilities. Teaching Exceptional Children Plus, 6(3), 2.
- Trad, P.V. (2008). Use of Development Principles to Decpher the Narrative of Preschool Children. J AM Acad Child Adoles Psychiatry; 31(4): 581-92.
- Vignes, C., Godeau, E., Sentenac, M., Coley, N., Navarro, F, Grandjean, H., et al. (2009). Determinants of Students Attitudes towards Peers with Disabilities Developmetal Medicine and Child Neurology, 51, pp.473-479.

## The Investigation of the Effect of Verse and Story Based Training on Improving the Attitudes of Normal Children toward the Deaf and Blind Children

Farideh Kalhori,<sup>1</sup> Qumarth Karimi<sup>2\*</sup>

### Abstract

**Purpose:** The main purpose of this study was to investigate the effect of poetry-based education and storytelling on improving the attitudes of normal children towards deaf and blind children.

**Methodology:** The research method was quasi-experimental pre-test-post-test with a control group. The statistical population of the present study consisted of normal girls aged 7-12 years in comprehensive libraries in Tehran in the summer of 2014. Then 50 female students were selected through multi-stage cluster sampling and randomly assigned to experimental and control groups (25 people in each group). Data were collected using the Chidak-McMaster scale to measure children's attitudes toward children with disabilities. Rosenbaum, Aramstrang, King (1988) (CATCH). After the pre-test, 13 training sessions based on poetry and storytelling were held by experienced instructors for the experimental group. After the training sessions, post-test was performed on both experimental and control groups. Research data were analyzed by analysis of covariance.

**Results:** The results showed that there was a significant difference in the scores of normal children's attitudes toward the blind and deaf children in the experiment group (verse and story based training group) in comparison with the control group who did not see training ( $P \leq .05$ ).

**Conclusion:** Findings of this research has implications for revision of educational programs of related organizations including the Education Organization and the Center for the Development of Children and Adolescents to change the attitude of children in different emotional, cognitive and social areas by verse and story based training to create more motivation in children to communicate with children with disabilities.

**Key Words:** Blind Children, Deaf Children, Children Attitudes towards Children with Handicaps, Verse and Story Based Training

<sup>1</sup> Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

<sup>2</sup> Department of Psychology, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

\*Corresponding Author: q.karimi@iau-mahabad.ac.ir